



اهمیت آسیب‌شناسی مهدویت

از آن‌جا که اطلاعات در تغییر نگرش‌ها نقشی اساسی دارد، باید افرادی که عهده دار انتقال این اطلاعات هستند از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی (مهارتی) برخوردار باشند...

از آن‌جا که اطلاعات در تغییر نگرش‌ها نقشی اساسی دارد، باید افرادی که عهده دار انتقال این اطلاعات هستند از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی (مهارتی) برخوردار باشند

اشاره

مقاله حاضر چشم اندازی است بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت. نگارنده با تأکید بر این مسئله که هر گونه افزایش ثمر بخشی در فعالیت‌های فرهنگی منوط به شناخت و تحلیل آفت‌ها و موانع موجود می‌باشد. ضمناً انجام یک مجموعه تحقیقات بنیادی و میدانی برای دستیابی به میزان آسیب‌مندی جامعه در رابطه با مهدویت را، قبل از هر گونه برنامه‌ریزی در این حوزه، از مقدمات لازم فعالیت می‌داند. در بخش دیگر نوشتار، نویسنده به علل مستقیم و غیرمستقیم مؤثر در این فرایند پرداخته است و عمده تأکید مقاله بر ضرورت ایجاد نگرش مثبت با استفاده از روش‌های نوین و آخرین دستاوردهای فن آوری اطلاعات و تکنولوژی و با انتخاب مباحث امید بخش و رعایت اصول تعیین محتوا برای نهادینه سازی و درونی سازی این ارزش می‌باشد. نویسنده معتقد است که در صورت توجه به آفت‌ها و رفع اختلال‌های مفهومی و مصداقی که در حوزه مهدویت وارد شده است، می‌توان از این فرهنگ به عنوان مؤثرترین و کارآمدترین ابزار برای تربیت دینی نسل جوان به خوبی بهره گرفت. نکته دیگری که در جمع‌بندی به آن توجه شده است، این است که مهم‌ترین گام برای ایجاد نگرش مثبت نسبت به مباحث مهدوی ارائه اطلاعات صحیح است. پس باید افرادی که عهده‌دار انتقال این اطلاعات هستند از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدویت در جهت مثبت تغییر دهند و این مهم‌ترین و مؤثرترین گام برای نهادینه‌سازی فرهنگ مهدویت است.

مقدمه

مهدویت سرچشمه هر خیر و جلوه‌گاه همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها، چشم اندازی زیبا به جهان آینده و رمز پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران است. این اعتقاد از توانمندترین عوامل رشد و بالندگی و بقای اسلام و شیعه در گرو این حقیقت بزرگ است. از سوی دیگر، اهمیت و جایگاه والای فرهنگ مهدویت در آینده تاریخ و اهمیت حکومت جهانی مهدی (عج) به عنوان تنها معارض در برابر جهانی سازی، دشمن را به گونه‌ای خیلی جدی به صحنه نبرد و مبارزه کشانده است.

در همین راستا صهیونیست‌های مهدی ستیز با هم‌دستان خود با تهیه ده‌ها فیلم و نمایشنامه، آهنگ و سی‌دی‌های گوناگونی تلاش کرده‌اند تا چهره حضرت مهدی (عج) را تخریب کنند و چهره‌های بسیار خشن، مخرب و وحشت‌زا از آن حضرت ارائه دهند. آنان با برنامه ریزی بسیار دقیق براساس مبانی روانشناختی و جامعه شناختی برای 200 سال آینده طرحی منسجم، اصولی و حساب شده و منطبق با مراحل مختلف رشد و ادبیات خاص هر دوره دارند. فعالیت‌های آنان از چنان گستردگی در جهان برخوردار است که حتی کشورهای اسلامی از جمله کشور اسلامی ما هم از این تهاجمات مصون نمانده است. (بلخاری - 1379) اهمیت مسئله، نگارنده را بر آن داشت که با دید آسیب‌شناسی، به تحلیل موضوع مهدویت بپردازد. آن چه مسلم است این است که تاکنون نتوانسته‌ایم به اندازه توانمان جامعه ولایت مدار را به مصداق آیه (لایکلف الله نفساً الا وسعها) 1 تربیت کنیم. این نوشتار بر آن است تا درباره آسیب‌شناسی فعالیت‌های فرهنگی در حوزه مهدویت تحلیلی ارائه دهد که قطعاً بی‌نیاز از تیغ نقادی نمی‌باشد. امید است با طرح موضوعاتی از این گونه شاهد تحولی بنیادی در ساختار آموزشی و فرهنگی برنامه‌های مهدویت باشیم و با نهادینه سازی این فرهنگ متعالی، زمینه برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را فراهم سازیم. در پایان لازم است که از زحمات همه متعهدان و دلسوزانی که خردمندان و با آگاهی لازم نسبت به مباحث و با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی به فعالیت در این زمینه پرداخته‌اند تقدیر کنیم. هم چنین متذکر این نکته شوم که با توجه به موضوع، در این مقاله بیش‌تر به نقطه ضعف‌ها و آسیب‌ها پرداخته شده است. گرچه همگان بر این مسئله واقفند که حرکت‌های بسیار خوب و امیدوارکننده‌ای در این زمینه آغاز شده است که امیدواریم همه این عزیزان در انجام رسالت‌های مهدوی خود، هم‌چنان موفق باشند.

ان‌شاءالله

پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی مهدویت، عرصه‌ای جدید و بدون پیشینه تحقیقی در خور توجه است. از این رو این نوشتار، تنها مقدمه‌ای در این باب است و نگارنده امید دارد تا با انجام چنین پژوهش‌هایی باب تحقیق و پژوهش در این مبحث بیش‌تر گشوده گردد. چرا که هنوز تحقیق نظری یا میدانی در خور توجه، معتبر و جامعی در این‌باره وجود ندارد.

متأسفانه علاوه بر این که پژوهشی نظام‌مند و بنیادین در این زمینه نداریم، از پژوهش‌های تجربی و میدانی که بتواند بیانگر وضعیت موجود مهدویت در کشور باشد، نیز بی‌بهره می‌باشیم. تحقیقاتی هم که صورت گرفته، عمدتاً بی‌نظم و غیرنظام‌مندند و پژوهشی که تحلیلی، موشکافانه و برخوردار از شیوه‌های ارزشیابی باشد وجود ندارد.

معناشناسی بحث

1. مفهوم آسیب‌شناسی

آسیب، عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می‌شود و آسیب‌شناسی به معنای بازشناسی اختلال‌های مفهومی و مصداقی بحث است. این اختلال‌ها ممکن است در اثر ناکارآمد بودن و ضعف روش‌های پیام‌رسانی و یا محتوای پیام باشد. بعضی از عوامل به صورت مستقیم در ایجاد این اختلال‌ها دخیل بوده (مثل ضعف در محتوا) یا ممکن است به جهت عواملی غیرمستقیم این مسئله رخ داده باشد. به هر حال باید هم اختلال‌ها بازشناسی شود و هم علل ایجاد این اختلال‌ها، که به مجموع این‌ها آسیب‌شناسی گویند.

2. مفهوم تربیت

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تعریف‌های متعدد و گوناگونی از تربیت ارائه داده‌اند که در این نوشتار، تنها به آخرین تعریفی که در این حوزه به عنوان یک تعریف قابل قبول مطرح است بسنده می‌کنیم و آن عبارت است از: <حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب>.

مفهوم آسیب‌شناسی مهدویت

هرگاه مفاهیم و آموزه‌های مهدوی در دین مورد بدفهمی قرار گیرد یا به صورت نابجا القا شود، آسیب‌های چشم‌گیری در این حوزه آشکار خواهد شد. به عبارت دیگر منظور از آسیب‌شناسی مهدویت، این است که کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌هایی که تا به حال در این مقوله صورت گرفته است، مورد بازشناسی قرار گیرد تا نهایتاً مفاهیم و دیدگاه‌های مهدوی در دین به دور از اختلال‌های مفهومی و مصداقی یاد شده بازشناسی شود.

اهمیت آسیب‌شناسی مهدویت

ثمربخشی تلاش دست‌اندرکاران و مروجان فرهنگ مهدویت، به آسیب‌شناسی مهدویت؛ یعنی شناخت و تحلیل موانع جریان مهدویت و تبیین چگونگی برخورد مؤثر با این عوامل، بستگی دارد.

تربیت مهدوی در مفهوم خاص آن: <مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم فرهنگی برای پرورش و تقویت ایمان و باورهای مهدوی> در مخاطبان است. و برای رسیدن به این هدف والا به دو عامل برنامه‌ریزی و آسیب‌شناسی نیازمندیم. از سوی دیگر، اهمیت، اولویت و ضرورت انکارناشدنی تبیین و ترویج فرهنگ مهدویت در نظام دینی، ضرورت توجه به بحث را دوچندان می‌کند.

هم‌چنین باور به حقانیت بحث و رویکرد جدی نسل جوان برای پذیرش باورهای مهدوی و گرایش به آن، همه دست‌اندرکاران را وامی‌دارد تا برای افزایش ثمربخشی این فرایند و نهادینه سازی فرهنگ مهدویت و یافتن راهکارهای مناسب بر تلاش خود بیافزایند.

باید این نکته مهم را یادآور شد که دست‌اندرکاران امر فرهنگ مهدویت با وجود تلاش زیاد برای تبیین و ترویج این فرهنگ، با ناکامی‌ها و بن‌بست‌های بسیاری روبه‌رو بوده است. البته بسیاری از این ناکامی‌ها برمی‌گردد به کج‌روی و کج‌اندیشی‌هایی که در این حوزه توسط برخی از مروجان این فرهنگ صورت گرفته است. از این‌رو جا دارد که به جد به شناختن این کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌ها اقدام گردد.

به بیان دیگر باید به پیرایش و تهذیب مفاهیم و مصادیقی که تا اکنون وارد این فرهنگ شده است پرداخت. در غیر این صورت هرگونه برنامه‌ریزی برای نهادینه سازی این فرهنگ، بی‌نتیجه خواهد بود. کسانی که بدون توجه به بحث آسیب‌ها وارد عمل می‌شوند، همچون باغبانی می‌مانند که بدون توجه به آفت‌ها، مشغول کشت و کار شود که قطعاً در این صورت این کشت و کار ثمرهای برای او نخواهد داشت.

در اهمیت این مسئله همین بس که مولای متقیان حضرت علی(ع) می‌فرماید: <المصیبه بالدين اعظم المصائب؛ بزرگ‌ترین مصیبت، آفت در دین است>2. آری وقتی دینداری فرد دچار آفت شود، این بزرگ‌ترین مصیبت است.

به هر حال شناخت آسیب‌ها و عوامل ایجاد کننده آن می‌تواند دست مایه خوبی برای پیش‌گیری از آفت زایی در دین و دینداری شود. در پایان جا دارد که در این بخش از نوشتار به نکته بسیار حکیمانه امیر بیان حضرت علی(ع) توجه شود که فرمود: من لم يعرف مضره الشیء لم یقدر علی الامتناع منه. هرکس آفت چیزی را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.

نشانه‌های آسیب مندی در مهدویت

شناخت علل و عوامل آسیب زا، در حوزه مهدویت بدون توجه به نشانه‌های آسیب مندی، کاری ناقص است. به بیان دیگر، باید نشانه‌های آفت زدگی را در فرد یا جامعه مشاهده کنیم، سپس به دنبال یافتن علت و عامل آفت زدگی باشیم که در این صورت با اهتمام بیش‌تری در پی آفت زدایی خواهیم بود. از این‌رو توجه به بحث آسیب مندی، ضروری به نظر می‌رسد باید به وجود نشانه‌های آفت زدگی در دین‌داران و مسلمانان در حوزه مهدویت، به یقین برسیم. در این بخش، نگاهی کلی به نشانه‌های آسیب مندی می‌اندازیم. این نشانه‌ها عبارتند از:

تردید در آموزه‌ها و اعتقادات مربوط به مهدویت

نشانه سلامت فرد در حوزه باورها و اعتقادات مهدویت، برخورداری از باور قلبی و عمیق به آموزه‌ها و معارفی است که در این حوزه دینی وارد شده است. چنان چه ثبات و پایداری در دین به قوت یقین وابسته است؛ (ثبات الدین بقوه الیقین) این مسئله در مباحث مهدویت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگر فرد در این گونه مباحث به تردید و سستی در یقین دچار شود، تزلزل در اعتقادات او نسبت به وجود مبارک امام زمان(عج) تزلزل ایجاد خواهد شد و این خود یکی از مسایل اختلال زا می‌باشد. از این رو، نسلی که در اصل مباحث مهدویت دچار تردید و دودلی است، یک نسل آسیب‌پذیر می‌باشد. برای تعیین میزان آسیب‌پذیری جا دارد پژوهش میدانی گسترده‌ای در این زمینه به ویژه در رابطه با نسل جوان، صورت گیرد تا به صورت دقیق و علمی میزان برخورداری جوانان از اعتقادات عمیق و یقینی نسبت به مهدویت، مشخص گردد. این امر کمک می‌کند تا بتوانیم روشن‌تر و دقیق‌تر نظر دهیم که آیا نسل ما، در این زمینه یک نسل آسیب‌پذیر است یا از قوت یقین و ثبات عقیده برخوردار است. مشخص شدن این مسئله در برنامه ریزی آینده می‌تواند راهگشا باشد.

سستی در انجام تکالیف و وظایف، نسبت به امام زمان(عج)

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند نمایانگر سلامت یا بیمار بودن اندیشه جامعه نسبت به مهدویت باشد، مسئله اهتمام جدی افراد در انجام تکالیف و وظایفی است که یک فرد منتظر نسبت به امام زمان(عج) دارد. چرا که ولایت مداری مستلزم پای‌بندی به تکالیف انسان‌ها در قبال ولی امر می‌باشد.

از این‌رو همان‌طور که در بخش گذشته هم مطرح شد، باید با آمارگیری علمی و کارشناسانه مقدار پای بندگی افراد نسبت به تکالیف و وظایف نسبت به ولی امر مشخص گردد. اگر آمار سستی در قبال این مسئله را نشان داد نمایانگر وجود آسیب مندی جامعه است. که باید برای آفت زدایی اقدام نمود.

نکته قابل توجه این است که بخشی از روایات وارده در حوزه معارف مهدویت مربوط به وظایف و تکالیفی است که یک مسلمان در عصر غیبت در قبال امام زمان(عج) دارد. متأسفانه این روایات کم‌تر مورد توجه و عمل واقع شده که خود نشانه اهمال جامعه نسبت به این مهم است که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

علل آسیب زا در مهدویت

علل آسیب زا در بحث مهدویت را، می‌توان به دو بخش علل مستقیم و علل غیرمستقیم تقسیم کرد. منظور از علل مستقیم، عللی است که مستقیماً با مباحث این حوزه سروکار دارد مانند روش‌ها و محتوا. علل غیرمستقیم عللی است که به ویژگی‌های شخصیتی یا به امور اجتماعی و پیرامونی فرد مربوط می‌شود. در این بخش ما به صورت مختصر و گذرا به علل آسیب زای غیرمستقیم می‌پردازیم و در ادامه بحث درباره علل مستقیم که همان روش‌ها و محتوا است، خواهیم پرداخت.

علل آسیب زای غیرمستقیم

یکی از مهم‌ترین عواملی که در نهادینه سازی فرهنگ مهدویت می‌تواند به صورت غیرمستقیم آسیب زا و اختلال‌آمیز باشد، عبارت است از: زمینه‌های شخصیتی و شخصی فرد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

عدم توجه به ایجاد شاخص‌ها و معیارهای لازم شخصیتی برای پذیرش فرهنگ مهدویت

پذیرش فرهنگ مهدویت و نهادینه سازی این فرهنگ نیازمند بستری مناسب و ظرفی مستعد برای پذیرش این فرهنگ متعالی است و این بستر چیزی نیست جز ظرف وجودی فردی که قرار است دارای فرهنگ و تربیت مهدوی گردد. از جمله پیش‌نیازهای لازم، قبل از هرگونه فعالیت در زمینه گسترش این فرهنگ، ایجاد زمینه و ظرف مناسب برای پذیرش آن است. به بیان دیگر فرد، نخست باید از نظر شخصیتی مستعد و آماده پذیرش این پیام باشد.

به نظر می‌رسد برای ایجاد یک بستر مناسب و مستعد برای پذیرش پیام، قبل از هرگونه فعالیت مهدوی، باید به پرورش احساس‌های متعالی چون حس خداپرستی، اخلاقی، عاطفی و زیباخواهی پرداخت. در این صورت است که فرد از شاخص‌های لازم و زمینه مستعد برای پذیرش تربیت مهدوی برخوردار می‌گردد که ما در این بخش از نوشتار به کوتاهی به این مطلب می‌پردازیم:

1. حس خداخواهی و عبودیت و بندگی

فرد اگر در مسیر عبودیت و بندگی خداوند قرار ننگرفته باشد و عبد خدا نباشد، چطور باید از او انتظار پذیرش ولی خدا را داشته باشیم. پس، پیش از گسترش و نشر فرهنگ مهدویت، باید در ایجاد روحیه بندگی و عبودیت فعالیت منسجم و اصولی صورت گیرد. طبیعی است وقتی ما بتوانیم روحیه تعبد را در مرتبه پرورش دهیم، در مرحله بعد می‌توانیم خیلی راحت با بهره‌گیری از این روحیه بلند، او را به سمت پذیرش ولی خدا سوق دهیم.

و زمینه انس و ارتباط با مولا و در نهایت روحیه اطاعت و انقیاد از ولی خدا را در او پرورش دهیم. انسان اگر بنده خدا باشد، بدون چون و چرا مطیع اوامر الهی خواهد بود؛ چرا که بنده خدا، فردی آزاد از زنجیر عوامل قالب‌ساز و شکل دهنده محیط و اجتماع و فردی آگاه و آزاد از تخیلات، اوهام و آرزوهای بی‌اساس و دارای اندیشه و فهم واقع یاب می‌شود. فردی آزاد از اسارت فرهنگ‌ها و سنت‌های فرسوده و رها از چنگال لذت و الم خواهد بود و نهایتاً آزاد از خودخواهی و خودکامگی، که وجود این ویژگی‌ها، زمینه ساز پذیرش ولی خدا و اطاعت و پیروی از او می‌باشد.

جان کلام آن که باید در زمینه ایجاد روحیه تعبد و آن هم تعبد برگرفته از تعقل، در جامعه فعالیت کرد؛ چرا که این نخستین گام اساسی و مهم در ایجاد بستری مناسب برای انجام فعالیت‌های مهدوی است. کسانی که در طول تاریخ از بندگی خدا برخوردار بودند و به معنای واقعی عبد بودند نه عابد، هیچ گونه مشکلی برای پذیرش ولی خدا نداشتند. از سوی دیگر، بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد کسانی زیر بار رهبری‌های الهی نرفتند که در زمینه عبودیت و بندگی دچار ضعف و سستی بودند. بنابراین، بدون ایجاد روحیه تعبد و بندگی، هرگونه فعالیت در زمینه ولایت مداری و پذیرش ولی امر بی‌نتیجه خواهد بود یا به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. حرکت در مسیر عبودیت و بندگی، فرد را آراسته به شاخصه‌ای بسیار ارزشمند به نام تقوا می‌سازد. این شاخصه یکی دیگر از پیش زمینه‌های لازم و ضروری در گسترش فرهنگ مهدویت می‌باشد.

در زمینه تقوی و صیانت ذات، زیاد سخن گفته شده، ولی منظور ما از تقوا همان مطلبی است که علامه جعفری (ره) از آن به صیانت ذات تکاملی یاد می‌کند³. منظور از این اصطلاح، تبدیل تدریجی ذات یا من طبیعی به ذات یا من تکاملی است که این تبدیل با دو بال جذب کمال و دفع نقص، صورت می‌گیرد. به این معنا که وقتی فرد در پی جذب کمال باشد، بهترین راه را برای رسیدن به کمال، تاسی به الگوهای کمال یافته و انسان‌های کامل می‌داند.

او بر این باور است که باید دست خود را در دست امام زمان خود قرار دهد، تا او را به نقطه نهایی کمال، همان ایصال الی المطلوب، که شأن واقعی امام است، برساند. از این‌رو، خواهان یافتن وجود امام زمان خود می‌باشد و با شور و اشتیاق به دنبال اوست. ایجاد این زمینه موجب می‌گردد هرگونه معرفت مهدوی و هرگونه فعالیت برای نهادینه سازی آن، جایگاه خود را بیابد و در ظرف لازم قرار بگیرد.

پیروی از قرآن یکی دیگر از شاخص‌ها و ملاک‌هایی است که عبد خدا در مسیر عبودیت باید از آن برخوردار گردد که این بهره مندی از لوازم ضروری پذیرش فرهنگ مهدویت است. چرا که اگر فرد پیرو قرآن باشد، با توجه به وجود آیات مکرر در قرآن درباره ضرورت پیروی از اهل بیت، قطعاً عمل به این آیات را هم خواهد پذیرفت.

عمل به آیاتی چون (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...) برای او امری واجب و ضروری خواهد بود. پس لازم است که در ابتدا فرد را شاگرد مطیع و منقاد مکتب قرآن تربیت کنیم. در قدم بعد، او خود عمل به آیاتی چون آیات ولایت را خواهد پذیرفت. از سوی دیگر، کسی که در اصل تبعیت و سرسپردگی به دستورات زندگی‌بخش قرآن دچار سهل انگاری، تزلزل و تردد است، این تردید و دودلی و سهل انگاری در عمل به قرآن، در میزان تبعیت او از ولایت هم تأثیر دارد.

از نشانه‌های دیگر آسیب‌مندی در دین و ولایت مداری، مسئله پایبند نبودن به هنجارهای اخلاقی است. به هر میزان که افراد در قبال هنجارهای اخلاقی سهل‌انگار و بی‌توجه باشند به همان میزان، تبعیت از امام معصوم (ع) کاهش می‌یابد. حوادث و جریان‌های تاریخی بیانگر رابطه‌ای مستقیم میان گردن نهادن به دستورات رهبر الهی و میزان پایبندی افراد به هنجارهای اخلاقی است.

2. پرورش حس اخلاقی

در نظام تربیتی اسلام، وجود پیامبران و امامان معصوم، برای زمینه سازی برای تکامل و رشد معنوی انسان از جایگاه مهمی برخوردار است و اساساً هدف از بعثت انبیا به ویژه رسالت خاتم پیامبران (ص) تکمیل فضایل اخلاقی و فراهم کردن تجهیزات این رشد و کمال بیان شده است.

شخصیت اخلاقی عنصر اساسی و جوهره اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد و بدون اخلاق، آدمی شخصیت واقعی خود را باز

نمی‌یابد. اخلاق در انسان، گرایش به فضایل اخلاقی را ایجاد و روح ملکوتی انسان را به اوج کمال می‌رساند. انسانی که از نظر اخلاقی پرورش یافته و به فضایل و نیکی‌ها گرایش پیدا می‌کند، طبیعی است که عاشق و دلباخته انسان‌های بافضیلت و کمال می‌شود و به دنبال آنان می‌گردد، از این رو وقتی با شخصیت بلند و متعالی انسان کاملی چون امام زمان (عج) مواجه می‌شود، عقربه‌های درون او به صورت ناخودآگاه به سوی امام کشیده می‌شود و بدون چون و چرا او را می‌پذیرد. به همین دلیل باید پیش از معرفی شخصیت امام زمان (عج)، به پرورش اخلاقی فرد اقدام کرد. در این صورت او خود به سوی الگوها و اسوه‌های اخلاقی متمایل می‌شود و هر چه الگو کامل‌تر و متعالی‌تر باشد، گرایش درونی و مثبت‌تری نسبت به او پیدا کند. آن گاه در پرتو شخصیت این انسان کامل و انس و الفت با او و با محبت و عطوفت و احترام به شخصیت انسان کامل، در مسیر رشد، پویایی و تکامل اخلاقی خود گام‌های بلندتر و بزرگ‌تری را برمی‌دارد. هرگاه اخلاق با زمینه فطری و عقلی که دارد رنگ عاطفی نیز به خود بگیرد و به صورت احساسی پاک درآید، این بهترین راه برای جذب جوانان به وجود مبارک امام زمان (عج) می‌شود. بنابراین، متولیان تعلیم و تربیت نباید از این اهرم مؤثر غافل باشند.

3. پرورش عواطف

عاطفه از ماده <عطف> به معنای گرایش و انعطافی است که از رهگذر ارتباط فرد با موجود مورد توجه خارج از وی برقرار می‌گردد و از آن به احساس نیز تعبیر می‌شود.

از نظر روان‌شناسان، پرورش عاطفی همواره امری مهم تلقی شده است. هم‌چنان که آیات، روایات و مباحث تربیتی اسلام نیز آن را مورد توجه کامل و دقیق قرار داده و رهنمودهای ارزشمندی در این‌باره ارائه داده‌اند.

تربیت عاطفی، به معنای هدایت و کنترل عواطف و احساسات و شکوفاسازی و بهره‌گیری به موقع از آن‌ها برای رسیدن به امر مطلوب؛ یعنی خیر و سعادت انسان است. نقش عاطفه در عمل از عوامل و انگیزه‌های دیگر نیرومندتر است و باید همواره تحت کنترل و پرورش ویژه قرار گیرد.

به هر حال، با پرورش درست عواطف، از تربیت عاطفی می‌توان به عنوان یک عامل بسیار قوی و انگیزه‌ای نیرومند، برای ایجاد ارتباط عاطفی میان متربی با امام زمان (عج) بهره جست.

با استفاده از حس عاطفی می‌توان نگرشی مثبت نسبت به امام عصر (عج) پدید آورد. وقتی نگرش ایجاد شد، در پی آن حتماً تغییر رفتار خواهد بود؛ به‌ویژه در نوجوانان و جوانانی که در مرحله شکوفایی احساسات و شکل‌گیری شخصیت هستند. اگر این احساسات به سوی مهدویت هدایت شود و احساسات و عواطف پاک و معصومانه آنان متوجه وجود مقدس امام زمان (عج) گردد، مطمئناً مهم‌ترین گام تربیتی برداشته شده است.

برای این کار باید مبلغان و متولیان تعلیم و تربیت با راهکارهای شکوفایی عواطف و احساسات و هم‌چنین راه‌های تربیت عاطفی و چگونگی کنترل و هدایت آن آشنا باشند تا بتوانند از این انگیزه بسیار مهم و قوی برای تربیت مهدوی بهره برداری کنند. البته این مسئله مهارت و دقت افزونی را طلب می‌کند.

از جمله راهکارها و راهبردهایی که می‌توانیم برای پرورش حس عواطف نوجوانان و کنترل و جهت دهی آن به کار گیریم عبارتند از:

1. احترام به شخصیت جوان؛
2. مسالمت و مدارا؛
3. اغماض و چشم پوشی؛
4. برخورد مهرآمیز؛
5. تشویق و ترغیب جوانان به پاکی؛
6. بها دادن به اظهارنظر آنان؛
7. دادن مسئولیت‌های مناسب؛
8. ارزش گذاری به شخصیت معنوی جوان.

این راهکارها اگر مورد توجه مربیان و مبلغان مهدویت قرار گیرد، در مجموع موجب پرورش حس عاطفی آنان می‌شود و نهایتاً زمینه و بستر لازم شخصیتی را برای پذیرش مهدویت در فرد ایجاد می‌کند. عواملی چون ایمان قوی و ذوب شدن در محبت خداوند و عشق به سعادت ابدی از عواملی هستند که می‌توان به وسیله آن‌ها انسان‌ها را کنترل کرد.

4. پرورش حس زیبایی

حس زیبایی و زیبایی‌خواهی از جمله گرایش‌ها و احساسات متعالی انسان است که در مطالعات علمی و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است.

برخی از احساسات متعالی مانند حس زیبایی از جلوه‌های گوهر اصلی انسان است که منشأ بروز کمالات و ارزش‌های انسانی و الهی می‌گردند. زیبایی و زیبادوستی ابعاد و جلوه‌های گوناگونی دارد، ولی آن چه که در این بخش از نوشتار، مورد توجه ما می‌باشد، زیبایی معنوی خداجویی، کرامت و عزت، عفاف و استغنا، شجاعت، عدالت، ایثار و انسان دوستی است. این‌ها از عوامل جذب دل‌های وارسته و آزاده به سوی الگوهای متعالی چون وجود ارزشمند ولی عصر (عج) می‌باشد.

اگر حس زیبایی و زیبادوستی در نوجوانان و جوانان پرورش یابد، به هر آنچه زیباست گرایش پیدا می‌کنند و عقربه وجود آنان به صورت خودکار به سوی زیبایی‌های معنوی وجود ولی خدا حرکت می‌کند و علاقه‌مند به پیوند عاطفی و روحی با امام می‌گردند. چرا که از ویژگی‌های اسوه‌های ربانی، برخورداری آنان از فضایل و جمال معنوی است که موجب می‌گردد از شخصیتی پرجاذبه برخوردار شوند و قلوب انسان‌ها را همچون آهن ربایی قوی به سوی خود متمایل کنند.

پس یکی دیگر از پیش زمینه‌های شخصیتی لازم برای جلب توجه جوانان و نوجوانان به سوی امام زمان(عج) توجه به پرورش حس مذهبی به ویژه حس زیبایی‌های معنوی است.

برای پرورش زیبایی‌های معنوی در راستای تربیت مهدوی می‌توان از راهکارهای زیر بهره جست:

- 1 - تذکر آثار وجودی امام زمان(عج) و نعمت وجود امام برای جامعه انسانی.
 - 2 - صحبت درباره محبت بی‌دریغ امام نسبت به امت، که در روایات ما از توجه امام زمان(عج) حتی در عصر غیبت نسبت به امت، زیاد سخن به میان آمده است و جا دارد نمونه‌هایی که حکایت از اوج رافت و رحمت امام نسبت به امت است، بیان گردد.
 - 3 - معرفی امام به عنوان مظهري از مظاهر جمال و کمال الهی.
 - 4 - معرفی جلوه‌های گوناگون زندگی حضرت مانند علم، حکمت، محبت، عزت و... به ویژه توجه به ویژگی‌هایی که شور و عشق در وجود فرد می‌آفریند.
- مهم‌ترین و مؤثرترین راه برای پرورش حس معنوی، توجه دادن به کمالات اخلاقی امام زمان(عج) است. برای نمونه می‌توان به روایتی از حضرت رضا(ع) اشاره کرد که فرموده است:
- مهدی(عج) داناترین، بردبارترین و پرهیزکارترین مردمان است و از همه انسان‌ها بخشنده‌تر و شجاع‌تر و عابدتر است. 4

پی نوشت ها :

1. بقره / 286.
2. غررالحکم، ص 364.
3. ر . ک: علامه جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص 133.
4. ینابیع الموده، ص 401.
5. ر.ک: تجاسب، کامیاب نگاه نظام آموزشی به دین، دین دانی یا دین داری، ص 49.
6. بحث پیرامون حیطه عاطفی و مراحل آن در کتاب‌های شیوه‌ها و متون تدریس مفصل مورد بحث قرار گرفته که علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر به این کتب مراجعه کنند.
7. دخان / 58.
8. قمر / 17.
9. بحارالانوار، ج 2، ص 52.
10. غررالحکم، ص 111.
11. همان، ص 1331.
12. بحارالانوار، ج 77، ص 165، ج 2.
13. نهج البلاغه، حکمت 263.
14. فروع کافی، ج 8، ص 268؛ ترجمه اصول کافی، ج 1، ص 27.
15. الخرائج، ج 2، ص 782.
16. طوسی، الغیبه، ص 266.
17. کمال الدین، ج 1، ص 315.
18. ر . ک: فصلنامه تخصصی انتظار، شماره 5، چاپ دوم، ص 154 تا 194.
19. غررالحکم، ص 995.
20. نهج البلاغه، خطبه 176، اصول و مبادی سخنوری، ص 275.
21. غررالحکم، ص 991.
22. میزان الحکمه، ج 3، ص 40.
23. غررالحکم، ص 1362.
24. همان، ص 995.

25. همان، ص 948.
26. همان، ص 111.
27. همان، ص 931.
28. همان، ص 90.
29. توبه / 122.
30. یوسف / 108.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشهور، 1379.
- محمدی‌شهری، محمد. میزان الحکمه، قم، مرکز تحقیقات دارالحديث، چاپ دوم، 1379.
- کریمی عبدالعظیم، تربیت آسیب‌زا، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، 1374.
- تجاسب، کامیاب، نگاه نظام آموزشی به دین (دین دانی یا دین داری)، تهران، انتشارات امجد، چاپ اول، 1379.
- رحمانی یزدی، علی، نقد باورهای غلط تربیتی، تهران، انتشارات مشهور، چاپ اول، 1379.
- دژاکام، علی، معرفت دینی، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، چاپ اول، 1377.
- شحاته، الدكتور حسن، تعلیم الدین الاسلامی بین النظریه و التطبيق، قاهره، مکتبه الدار العربیه، الکتاب، چاپ سوم، 1998.
- تی، بی، شبرد، آموزش و پرورش زنده، ترجمه احمد آرام، مرکز انتشارات آموزشی سازمان پژوهش و نوسازی آموزش، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، 1357.
- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی، همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1378.

مریم معین الاسلام

فصلنامه انتظار - شماره 11 - 12